

نسیم زندگی



چه کنیم که دچار سرنوشت خانواده در غرب نشویم؟

# بدون گفت‌وگو، عشق به جان کندن می‌افتد!

حسین سروقامت\*

در جهان امروز سبک زندگی (Lifestyle) بسیار مهم شمرده می‌شود؛ مجموعه‌ای از منش های ذاتی ما و همچنین روش‌هایی که برای ادامه حیات برگزیده‌ایم. بحث سبک زندگی در بسیاری از سخنان رهبر فرزانه ما و جمله بیانیته گام دوم انقلاب مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. ایشان در مهر ۱۳۹۱ در جمع پرشور جوانان خراسان شمالی سوالات مهمی را در این خصوص مطرح کردند و آسیب‌شناسی آنها را خواستار شدند. در پاسخ به این مطالبه اساسی هر هفته یکی از این سوالات را مطرح می‌کنیم و به بررسی پاسخ خواهیم پرداخت. تاکنون به طرح و بررسی ۲۹ پرسش پرداخته‌ایم و اما سؤال سومی که «چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنگنان که در غرب رایج است و بین ما رواج پیدا نکند؟» جهان اول هر چند در صنعت و تکنولوژی گوی سبقت را از بسیاری از کشورها برده است، اما در بحث خانواده و ارتباط عاطفی همسران از شرایط قابل قبولی برخوردار نیست. به گونه‌ای که امروزه روابط خانوادگی سالم و آرامش بخش بسیار آشنیل دنیای غرب شمرده می‌شود. در این مقال قدری به بررسی ارتباط خانوادگی در جهان غرب پرداخته‌ایم؛ از پیشینه این ارتباطی‌بندی می‌کنیم و آنگاه به بیان مؤلفه‌هایی می‌پردازیم که تشکیل‌دهنده مبانی فکری و رفتاری خانواده اسلامی – ایرانی است.



بردگی زن در دنیای غرب، از دیروز تا امروز

زن در دنیای غرب و در گذشته‌های دوری شرایطی را پشت‌سر گذاشته که همچون برگ‌ان او رفتار شده، گاهی از بردگان نیز فرما تیز محسوب می‌شد. دوره‌ای که زن دارای حق امتناع و بهره‌برداری نبود، خود در شمار اموال قرار می‌گرفت و اساساً مالک اموال خود به حساب نمی‌آمد.

در دوره‌های بعدی حق تمتع به زن داده شد، اما در شمار محجوران قرار گرفت. امروز وی را پدر، همسر یا عضو مذکر خانواده اداره می‌کردند. زن در این دوره برده نبود، اما همچون کودکان سفیهان و دیوانگان به‌شمار می‌آمد. این موجود لطیف اثرگذار به مرور زمان به دنیای جدید خرید، اتفاقاتی که پیاپی برای او رقم خورد، نه تنها او را از شرایط تحقیرآمیز گذشته خارج نکرد که به غربت و مظلومیت نیز پی‌افزود. همین شرایط باعث شدن در خانواده نیز مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌فلساو و اسامحلال خانواده غربی را به دنبال داشته باشد.

در مجموع برای زن در دنیای غرب اتفاق افتاد و زن را در شرایط نابرابر با مرد قرار داد و در نتیجه به نابودی خانواده غربی دامن زد؛ از قرار زیر است:

- هر چند در غرب مسئولیت و درآمد زن و مرد مشترک است، اما مرد ملزم به پرداخت نفقه و مهر به نیست.
- مادران مجرد معضل اجتماعی بزرگی برای غرب شده‌اند. زنان پس از جدایی به ازدواج مردی‌مسئ تر از همسر قبلی خود آمده و چون عده نگه نمی‌دارند، بنابراین فرزندی که به دنیا می‌آیند معلوم نیست از کدام پدرند و در موارد زیادی نه مادر و نه فرزند نامی پدر فرزند کیست!
- معشوقه‌گرایی و زنا افزایش فرزندان بی‌بدر را در غرب به دنبال داشته است. در این موارد، اغلب هیچ مردی زیر بار فرزند نمی‌رود و همین امر از جهت اقتصادی، عاطفی و خانوادگی مشکلات زیادی را گریبانگیر مادران و فرزندان آنان کرده‌است.
- در برخی کشورها به‌ویژه در امریکای لاتین زانی که دختران بی‌بدر دارند از خواستگاران بیشتری برخوردارند، زیرا مردانی که با این زنان ازدواج می‌کنند روی رابطه با دختران این زنان نیز حسلب می‌کنند.

ارتباط جنسی، از هفت دولت آزاد!

از آزادی‌های اساسات بار جامعه غربی آزادی رابطه جنسی بین زن و مرد یا دو همجنس یا حتی رابطه بین انسان با حیوانات است که در خیلی از کشورها صورت قانونی نیز به خود گرفته‌است. ازدواج همجنس‌گرایان در غرب از قوانین خفت‌باری است که دقیقاً نابودی خانواده و نسل‌ها را هدف

زوج امریکایی نشان می‌دهد که همزیستی‌های بدون ازدواج، روابط عاطفی ضعیف‌تری با والدین خود داشته و نسبت به کسانی که ازدواج کرده‌اند، احساس خوشبختی کمتری دارند.

کودکان والدین بدون ازدواج نیز از خلایقت و پیشرفت تحصیلی کمتری برخوردارند و حتی پس از تأمین زندگی آنان و ایجاد شرایط زندگی برابر با کودکان متولد شده از مادران ازدواج کرده و در نتیجه مطالعه، تئیربی به وجود نیامده‌است. مطالعات نشان می‌دهد که در همزیستی بدون ازدواج، وضعیت مالی روانی و حتی جسمی زنان و کودکان، مقایسه با زنان و کودکان مرتبط با ازدواج، مطلوب نیست.

در کتاب «هفت سال زندگی خانواده‌های انگلیسی» آمده است که ۲۰ درصد کودکان انگلیسی و حدود ۴۰ درصد کودکان امریکایی از والدین ازدواج نکرده به دنیا می‌آیند. براساس آمار بخش سلامت و انسان آمریکا در سال ۱۹۶۰ تعداد کودکانی که از والدین ازدواج نکرده به دنیا آمده و با یکی از آنان زندگی می‌کردند، ۲۴۳ هزار نفر بوده که این رقم در سال ۱۹۹۳ به ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۹۹۴، یک‌سوم کودکان امریکایی از مادران ازدواج نکرده به دنیا آمده‌اند؛ یک سوم این کودکان متعلق به مادران ۱۳ تا ۱۹ سال هستند.

آمارها از اتفاقات شنیع دیگری نیز خبر داده است، روند معشوقه‌مردان متأهل شنودند تا همچنان از حق و حقوق قانونی خویش برخوردار باشند.

وضعیت ناگوار زنان و کودکان در غرب

نتایج تمامی مطالعات در غرب، بیانگر وضعیت نامطلوب زنان و کودکان در زندگی بدون ازدواج است. مطالعه روی ۲ هزار و ۹۹۹



در کتاب «هفت سال زندگی خانواده‌های انگلیسی» آمده است که ۲۰ درصد کودکان انگلیسی و حدود ۴۰ درصد کودکان امریکایی از والدین ازدواج نکرده به دنیا می‌آیند. بر اساس آمار بخش سلامت و انسان امریکا در سال ۱۹۶۰ تعداد کودکانی که از والدین ازدواج نکرده به دنیا آمده و با یکی از آنان زندگی می‌کردند، ۲۴۳ هزار نفر بوده که این رقم در سال ۱۹۹۳ به ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۹۹۴، یک سوم کودکان امریکایی از مادران ازدواج نکرده به دنیا آمده‌اند؛ یک سوم این کودکان متعلق به مادران ۱۳ تا ۱۹ سال هستند. آمارها از اتفاقات شنیع دیگری نیز خبر داده است، روند موجود نشان می‌دهد که جامعه غربی به شدت رو به انحطاط است!



بسیاری از مردان و زنان در سبک جدید زندگی غربی به شیوه «همزیستی بدون ازدواج» یا «ازواج سفید» رو آورده‌اند. این زندگی گاه کوتاه‌مدت و گاهی نیز سالیان دراز به طول می‌انجامد. ازدواج، عامل پیوند زن و مرد نیست و آنان همسر قانونی یکدیگر تلقی نمی‌شوند. از این رو تفاوت‌های زیادی میان آنان و همسران قانونی وجود دارد. مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی در غرب و همچنین اظهار نظر افرادی که همزیستی بدون ازدواج را برگزیده‌اند، حاکی از آن است که فقدان مسئولیت، آزادی همه‌جانبه و صرف پول و وقت برای رفاه و لذت خویش، مهم‌ترین انگیزه برای انتخاب این سبک از زندگی است.

وی از همسر شخص دیگر تعریف نکنیم.

• مسائل معنوی را همواره مدنظر قرار داده، زندگی آرام و خوشبخت خود را برای مسائل مادی تعریف نکنیم.

• از پیراهن‌های زندگی و رسوم دست و پاگیر بپرهیز کنیم.

• از چیزهایی باشد که به آنها نیاز داریم.

• از چشم و هم‌چشمی نسبت به دیگران به شدت اجتناب کنیم.

• مسائل مالی خود را از همسرمان جدا نکنیم. به تعبیر دیگر ازدواج، وضعیت مالی روانی و حتی جسمی زنان و کودکان، مقایسه با زنان و کودکان مرتبط با ازدواج، مطلوب نیست.

• در زندگی لحاظ کنیم.

• مسائل مالی خود را از همسرمان جدا نکنیم. به تعبیر دیگر ازدواج، وضعیت مالی روانی و حتی جسمی زنان و کودکان، مقایسه با زنان و کودکان مرتبط با ازدواج، مطلوب نیست.

• در زندگی لحاظ کنیم.

• مسائل مالی خود را از همسرمان جدا نکنیم. به تعبیر دیگر ازدواج، وضعیت مالی روانی و حتی جسمی زنان و کودکان، مقایسه با زنان و کودکان مرتبط با ازدواج، مطلوب نیست.

• در زندگی لحاظ کنیم.

• مسائل مالی خود را از همسرمان جدا نکنیم. به تعبیر دیگر ازدواج، وضعیت مالی روانی و حتی جسمی زنان و کودکان، مقایسه با زنان و کودکان مرتبط با ازدواج، مطلوب نیست.

• در زندگی لحاظ کنیم.

• مسائل مالی خود را از همسرمان جدا نکنیم. به تعبیر دیگر ازدواج، وضعیت مالی روانی و حتی جسمی زنان و کودکان، مقایسه با زنان و کودکان مرتبط با ازدواج، مطلوب نیست.

• در زندگی لحاظ کنیم.

• مسائل مالی خود را از همسرمان جدا نکنیم. به تعبیر دیگر ازدواج، وضعیت مالی روانی و حتی جسمی زنان و کودکان، مقایسه با زنان و کودکان مرتبط با ازدواج، مطلوب نیست.

سبک نگرش



شیطنتهایی که ما را وسوسه می‌کند

## مگر کز روی مفید و عاقلانه هم داریم؟

می‌توانند. بده‌اند مقاله‌هایی علمی که به‌خاطر به‌اصطلاح پاسخ‌دهندگان مودی پس از انتشار پس گرفته شده‌اند. بدترین وضع را پژوهشگرانی دارند که روی نوجوانان مطالعه می‌کنند. یک‌بار معلوم شد ۹۹ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی که در یک مطالعه مدعی شدند، فرزند خوانده‌اند شوخی کرده‌اند. در یک مطالعه دیگر، ۹۹ درصد دانش‌آموزانی که گفتند اندام مصنوعی دارند، خلاف واقع گفته بودند. سرکشی، کزروی یک ریز پاسخ‌های ابلهانه می‌دهند تا مزه بریزند و دست‌پنیزانند. همه اینها یک‌چیز عجیب‌از لذت‌بخش است. می‌دانید چه کار پیوهده یاد می‌کنید، اما برای اینکه ثابت کنید «آزادید» همان را مرتکب می‌شوید. پل بلوم این شیطنتهای لذت‌بخش را سرکشی از قواعد بازی می‌داند.

مروح منیل و گتر روانشناس، در مقاله‌ای در ژورنال ساینس، قدری در این مسیر جلو رفت. عنوان مقاله‌اش این بود: «چگونه در هر موقعیتی دقیقاً بدترین فکر، حصرف یا عمل را داشته باشیم». او آن برهه‌های آکنده از پارادکسی را شرح داده بود که تلاش برای اجتناب از یک فکر احتمالی سر بر آوردن فکر در آگاهی‌مان را بیشتر می‌کند. الهام‌بخش او نکته‌ای بود که فودور داستایوفسکی در جستاری با عنوان «یادداشت‌های زمستانی پیرامون برداشت‌های تابستانی» آورده بود: داستایوفسکی می‌نویسد وقتی سعی می‌کنی به خرس قطعی فکر نکنی، احتمال اینکه خرس قطعی به ذهنت برسد، بیشتر است. در نتیجه پژوهشی علمی درباره این پدیده داشت و دریافت تلاش برای فکر نکردن به آن خرس‌های سفیدی می‌تواند خرس سفید را با تناوب یک‌بار در دقیقه به ذهن سوزها بیاورد. او تذکر داده بود که این راز را آزمایش نیز تصور خرس‌های سفید تا چند روز به ذهن سوزها می‌بیلی به تبعیت از قواعد بازی. پس سرکشی در همسایگی کزروی نشسته است، همانی که از قدیم مبحث‌های الهیاتی و فلسفی بوده است. یک مصداق کلاسیک از میل آگوستین یافت که حدود ۴۰۰ سال پیش تألیف شده است. آگوستین تعریف می‌کند که در ایام جوانی‌اش او و دوستانش چند هلو در دزدیدند. آنها گرسنه نبودند و در واقع هلوها را پیش‌خو‌ک‌ها انداختند. آگوستین می‌نویسد عمل آنها «یک گستاخی ناب بود که هیچ وسوسه‌ش‌ش‌ورانه‌ای نداشت جز خود شر». او در تبیین رفتارش چنین نتیجه می‌گیرد: «من شر درونم را دوست داشتم.» ما هنوز هم رفتار کزروی را همین‌طور تبیین می‌کنیم.

دیوید سامسن فیلسوف در سال ۲۰۰۹ در ژورنال فلسفه مقاله‌ای با عنوان «معضل خاطر بدی» منتشر کرد. او در این مقاله، کزروی را اینطور تعریف کرد: اعمالی که در یک می‌شویم که میل طبیعی‌مان به امر نیک (خواه امر نیک اخلاقی یا شاید نیک به معنای محدودترش یعنی منفعت شخصی) معکوس می‌شود. این حالت معکوس را می‌توان «شرارت» نامید، ولی لزوماً اینطور نیست. سامسن به‌جای فیلدهای واقعاً هولناک توجه می‌کند با اجساد و تصادف‌های وحشتناک. وی خاطر نشان می‌کند که علاوه بر همسر، حقوق خانواده‌وی نظیر پدر و مادر و خواهر و برادر او را نیز رعایت کنیم.

• همواره رفتار همسرمان را حمل به احسن کنیم و تا حد مقدور، محمل درستی برای رفتارهای او بینا کنیم.

• مشکلات خودی را دور از چشم فرزندان حل کنیم.

• گاهی بی‌دلیل به همسرمان هدی‌به‌بدهیم و او را خوشحال کنیم.

• همسرمان به صحبت‌نشینییم که «بدون گفت‌وگو، عشق به جان کندن می‌افتد.»

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

• نقل و تلخیص از: وب سایت ترجمان نوشته: پل بلوم / ترجمه: محمد معماریان / مرجع: نیویورکر